

گسیل لشگریان اسلام با ماموریت مقنعه!

اعلام اجبار مقنعه و روسری، نماد اسارت و بردگی از سوی حکومت در دانشگاه هنر مبنی بر تعلیق تحصیل دانشجویان دختری که مقنعه سر نکنند، نشانه‌ی ورشکست حکومتی است که پریشان شده و پای بر پرتگاه دارد.

شنبه بیست و هفتم خرداد ماه سپاهیان یگان ویژه و نیروهای امنیتی لباس شخصی‌های حکومتی، ماموریت مقنعه داشتند. آنان مسلسل به دست، به دختران و پسران دانشجوی دانشگاه هنر در تهران، روبروی در ورودی پردیس باغ ملی تهران هجوم آوردند. ماموریت آنان ربایش دختران و پسرانی بود که همانند یگان‌های مقاومت در سنگر دانشگاه از خیزش انقلابی نگاهبانی می‌کردند، تا خیزش «زن، زندگی، آزادی!» را دیده‌بان باشند. در شبیخوان سپاهیان سیاهی به شیوه‌ی داعشیان در سنگال، بیش از ده دانشجوی دختر و پسر، ربوده شدند. این بزدلی برای انتقام و به این ارزیابی در دستور کار حکومت قرار گرفت که دانشگاه‌ها به تعطیلی سالانه نزدیک می‌شدند و امکان مقاومتی پیش بینی نمی‌کردند. این اعلام، در شرایط صادر می‌شد که در این ۴۴ ساله به ویژه برای دانشگاه هنر، مقنعه‌ای برای دانشجوی در میان نبود.

دانشجویان دانشگاه هنر در این خیزش جاری پیشنازانه، به کل ساختار حکومت زشت کردار و نفرتبار اعتراض داشتند. دانشجویان، مفهوم زیبا و هنر والای مبارزه و مقاومت برای آزادی و زدودن پلیدی از جامعه را شعار و سرود و پرچم ساخته‌اند. تاکنون ۱۳۷ دانشگاه در خیزش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» شرکت داشته‌اند و تا پای جان هزینه داده‌اند. این هجوم اسلامی برای انتقام بود به همانگونه هجوم شیمیایی به هزاران دختر در ۷ ماه گذشته، نشانه‌ی درماندگی حکومتی است که جز به مرگ سیاهی و تالان، تباهی، فساد، تیرگی، شیون، تعزیه، عزا، کربلا، قبرستان، ریزه‌خواری قبور، تقیه و فقاقت و قیحانه و پلشتی و هرآنچه پلیدی، ضدانسانی، ضد شادی، ضد زندگی، دشمن بهیئگی زندگی شاد و... است نمی‌اندیشند. دانشجویان پیشناز و پشتیبانی چنین کارگران و زنان آشکار است که زیبایی و هنر زیبا و شاد زیستن را برای همگان می‌خواهند و حکومت ریشه و

تغییر استراتژی منطقه ای جمهوری اسلامی، سازش برای بقا



در دفاع از دانشجویان دانشگاه هنر و در ستایش همبستگی!

بحران و سردرگمی دگر بار اپوزیسیون بورژوایی!



مفهوم حاکمیت شورایی!

مفهوم حاکمیت شورایی یا حکومت تراز کمون، از جمله مفاهیمی است که این روزها در سطح شعار و نه محتوا، زینت‌بخش برخی نوشتارها گردیده است.

۳۱ خرداد روز پیشمرگ کومه له گرامی باد!

حمله به پایگاه مجاهدین در آلبانی را قویا محکوم می‌کنیم!

اعلامیه کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران

به مناسبت ۲۰ ژوئن روز پناهنده!

فاجعه مرگبار غرق شدن پناهجویان و حافظان قلعه اروپا

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با
کمیته تشکیلاتی احزاب کشور
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

تماس با کمیته تشکیلاتی
احزاب کومه‌له (تکلیف)

takesh.komalah@gmail.com

سرتان آمده و دانشجو دیگر نمی‌تواند موجودی بله قربان گو باشد، چرا که ماهیتاً آزاداندیش و آزادی‌خواه است.»

و بار دیگر به فاشیست‌ها که تا دم مرگ نمی‌خواهند سرانجام هیتلر و صدام را بپذیرند، یادآور شدند: «تجربیات شکست‌خورده‌ی پیشین را به‌یادآورید و آیینی عبرت‌سازید چرا که ما دانشجویان دست در دست هم نهاده‌ایم و سکوت نخواهیم کرد.»

دانشجویان دانشگاه اصفهان در سنگر دانشگاه، بر فراز آمدند و گفتند: «باعث ترس و وحشت کسانی شده است که دانشجو را مطیع و دانشگاه را پادگان می‌خواهند» که: «طی نه ماه اخیر، جنبش دانشجویی به خوبی نشان داد همچنان زنده و بالنده است و هر کجا نیاز باشد همراه و در برهه‌هایی پیشاپیش سایر اقشار جامعه پرچم دادخواهی و حق‌طلبی را به دست می‌گیرد.»

دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان در کنار دانشجویان هنر ایستادند و فریاد زدند که: «با وجود سرکوب فراگیر و سهمگین، دانشجویان با فریاد خود، حکومت ضحاکان را به عقب می‌رانند.» و پرشور نابودی حکومت را اعلام داشتند که «استبداد رفتنی است.»

جمعی از دانشجویان دانشگاه هنر و معماری پارس به صف پشتیبانی پیوستند و گفتند: «وضعیت موجود و تعرض به حقوق انسانی این دانشجویان، روحیه مقاومت در برابر سرکوب را در هر انسان آزاده‌ای برمی‌انگیزد.»

همبستگی و پشتیبانی دانشجویان سراسر ایران، نشان‌دهنده یک اراده‌ی جمعی و سیاسی است. دانشجویان پیشرو، به‌سان شاخک‌های حسی جامعه، دیگر نه خواست‌های دانشجویی و اعتراض‌های موردی و یا به اصطلاح «صنفی» بلکه به‌سان نیرویی چندین میلیونی از «مبارزه تا آخرین نفس، در کنار مردم»، از ایستادگی «در برابر حکومت تاریکی و نابودی» از «ظلم ستیزی، عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی» از «رفتن استبداد» و از «زن، زندگی، آزادی» سخن می‌گویند. این شعارها بیانگر ورود به دوران انقلابی، یعنی گذر از دانشگاه به جامعه، گذر از دانشگاه‌های منفرد به سراسر ایران، از پیوستن به پشتیبانی از جنبش انقلابی کارگری و رادیکال، رویکرد به جمع و گذر از اعتراض به رویکرد انقلابی است.

اندیشه در تباهی و آیه‌های قتلوار دارد. دانشجویان رشته مجسمه‌سازی پس از خلق اثر اعتراضی «گورستان خون‌آلود»، به صورت گروهی اعتصاب کردند. دانشجویان پس از ربایش رفیقان، دیوارنویسی رزمنده را پی گرفتند. دانشجویان دانشگاه هنر در بیانیه‌ای با یادآوری اثر اعتراضی گورستان خون‌آلود نوشتند: «ما می‌دانیم آن سنگ قبرهای نمادینی که ۲۵ مهر دانشجویان مجسمه‌سازی با همراهی دانشجویان دیگر رشته‌ها با مشت‌های خاک کف حیاط دانشگاه شکل دادند تا سندی باشد از سکوت نکردن در مقابل ریخته شدن خون ده‌ها انسان پاک در جای‌جای این کشور همچنان خاری در چشم مسئولان دانشگاه است...»

دانشجویان در سراسر ایران، نیزه‌های زهرآگین حکومت را به حکومتیان بازگرداندند: دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر، به پشتیبانی آمدند که: «تا آخرین نفس کنار مردم و فریاد حق‌خواهی و دادخواهی‌شان می‌ایستیم و در نهایت ظالم را به نام عدالت دادگاهی می‌کنیم!»

سهند تبریز از صمدها و «اوختای‌ها» فراگرفته تا به میدان آید و بگوید: «دانشجویان با شهامت دانشگاه هنر با ایستادگی هنرمندانه در برابر حکومت تاریکی و نابودی باعث ترس و لرز و وحشت» در «حکومت دیکتاتوری» شده‌اند و افزودند که «شجاعت و شهامت تکثیر شدنی» است.

دانشجویان دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی در همسنگری پیام همبستگی دادند: «ما در کنار شما هستیم. در برابر ظلم ضحاک زمان می‌ایستیم.»

دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، همبستگی خود را با: «زن، زندگی، آزادی» آغاز کردند که «اعتراض دانشجویان دانشگاه هنر به ساختارهای غلط، چیزی جز هنر زیبای شجاعت، عدم حمایت از ظلم و ظالم» و «ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی» نیست.

دانشجویان دانشکده فارابی دانشگاه تهران در صف مقاومت و میدان مبارزاتی فریاد زدند: «دوران تمکین دانشجو در برابر سرکوب به سر رسیده‌است» و به کارگزاران حکومتی در دانشگاه‌ها و دستگاه‌های امنیتی کوبیدند که: «آنچه هر قدرت سرکوبگری از آن هراس دارد به





از اعتراضات مردم مبارز سقز حمایت کنیم!

در جریان جنبش انقلابی و سراسری نه ماه گذشته مردم مبارز در سراسر ایران و کردستان در کنار خانواده های داغدار جانباختگان این جنبش بوده و با حضور در مراسم گرامی داشت یاد و خاطره عزیزان شان، همبستگی عمیق خود را با آنها نشان داده اند. رژیم درمانده اسلامی که از سایه خود نیز در هراس است، به عناوین مختلف نسبت به تجمعات خانواده ها عکس العمل نشان داده و این نمادهای اتحاد و همبستگی را مورد تهدید و تعرض قرار داده است. مزدوران رژیم با حمله وحشیانه به این تجمعات، با احضار و دستگیری اعضا خانواده جانباختگان و مادران دادخواه و با طرح ریزی نقشه های حقیرانه ایجاد خرابکاری در مزار این عزیزان و یا ایجاد تغییراتی در محوطه آرامگاه شان به منظور جلوگیری از تجمع خانواده ها و مردم مبارز تلاش کرده مانع تجمعات آنان شوند.

مزدوران رژیم در ادامه این یورشها، در روزهای اخیر در آرامگاه "آیچی" شهر سقز اقدام به تغییراتی در اطراف آرامگاه "ژینا امینی" کرده که قتل حکومتی او مانند جرقه ای خشم و اعتراض فروخورده توده های مردم در سراسر ایران را شعله ور ساخت و خیزشی برپا کرد که پایه های حاکمیت این رژیم ضد انسانی را به لرزه در آورد. این تغییرات با هدف ایجاد محدودیت و ممانعت از گردهمایی است که به مناسبت های گوناگون در آنجا انجام می گیرد. مردم مبارز و جسور سقز در اعتراض به چنین اقدام حقیرانه ای از سوی رژیم، روز سه شنبه ۲۳ خرداد با بستن مغازه ها و دست از کار کشیدن در بسیاری از مراکز، در یک اعتصاب عمومی به رژیم آدم کش اسلامی اخطار دادند که در مقابل هر ترفند و تحت هر عنوان و بهانه ای برای ایجاد محدودیت در اطراف آرامگاه "ژینا امینی" اعتراض خواهند کرد و خواهند ایستاد.

کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)، ضمن حمایت و پشتیبانی از این حرکت اعتراضی و انقلابی مردم مبارز سقز، اقدامات رژیم اسلامی در این رابطه را محکوم می کند و آنرا نشانه در ماندگی و وحشت رژیم اسلامی می داند. از مردم مبارز دیگر شهرهای کردستان نیز می خواهیم از مردم مبارز سقز و خانواده های جانباختگان پشتیبانی کنند و در مقابل تعرضات حکومت اسلامی مثل همیشه به اعتراض برخیزند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد حاکمیت شورایی مردم در کردستان

کمیته مرکزی کومه له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

۲۳ خرداد ۱۴۰۲

۱۳ ژوئن ۲۰۲۳

در دفاع از دانشجویان دانشگاه هنر و در ستایش همبستگی!



جمهوری اسلامی تهاجم همه جانبه ای را به جنبش دانشجویی سازمان داده است. در روز چهارشنبه ۲۴ خرداد، بخشی از دانشجویان دانشگاه هنر در اعتراض به حجاب اجباری در پردیس باغ ملی این دانشگاه تحصن کردند. اعتراض دانشجویان با واکنش حراست و دستگاه سرکوب رژیم کشتار مواجه شد. سرکوبگران دانشجویان را مجروح کردند. سرویس های بهداشتی را بسته و از رسیدن مواد غذایی و آشامیدنی به دانشجویان جلوگیری کرده و تعدادی را دستگیر کردند. مقاومت دانشجویان هنر در مقابل رژیم و سیاست هایش با همبستگی بسیاری از تشکل های دانشجویی همراه شده است. همچنین نهادهای مترقی و پیشرو جامعه از مقاومت دانشجویان برای انتخاب پوشش و مقابله با رژیم آپارتاید جنسی و جنسیتی حمایت نموده اند.

رژیم برای مقابله با جنبش انقلابی و پیامدهای آن، تهاجم همه جانبه ای را به جنبش های اجتماعی و فعالین و پیشروان آن سازمان داده و هزاران معترض را به زندان انداخته است. دانشجویان را دستگیر، تعلق و یا اخراج می کند. به کردستان با پهباد، توپ و تانک حمله می کند. مردم مقاوم بلوچستان را به گلوله می بندد. زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان جنبش را در بی دادگاه ها شکنجه و اعدام می کند. از برگزاری مراسم یادمان خانواده های جان باختگان جلوگیری نموده و دستگیرشان می کند. فعالین جنبش های کارگری، معلمان، زنان، آزادی خواهان، دانشجویان و آنهایی را که علیه سامانه های ستم و سلطه مبارزه می کنند، را به زندان می اندازد و یا اینکه با پرونده سازی و احکام سنگین و اخراج، شرایط زندگی خود و خانواده های شان را به مخاطره می اندازند.

جمهوری اسلامی از برآمد و گسترش جنبش انقلابی به شدت ترسیده و با "چرخش بزدلانه" در سیاست خارجی و سرکوب گسترده در جامعه می خواهد از گسترش آن جلوگیری کند. راه مقابله با رژیم سرکوب و کشتار، مقاومت و همبستگی جنبش های اجتماعی و حضور توده های مردم و جنبش طبقاتی کارگران در خیابان، محل کار و زندگی است. ضمن ستایش از مقاومت دانشجویان دانشگاه هنر، با همبستگی و همگرایی از پائین رژیم کشتار را به عقب رانده و فرآیند سرنگونی انقلابی رژیم را گسترش دهیم.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری،

حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست،

سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

۲۹،۰۳،۱۴۰۲/۱۹،۰۶،۲۰۲۳

هلمت احمدیان

بحران و سردرگمی دگر بار اپوزیسیون بورژوایی!



بر بستر تحولات انقلابی ماههای گذشته، نیروهای اپوزیسیون بورژوایی بار دیگر در اشکال و بلوک‌های مختلف تلاش کردند تا بر جنبش انقلابی جاری "موج سواری" کنند و همزمان خود را آلترناتیو "مطلوب" قدرت‌های امپریالیستی نشان دهند، اما دگر بار مایوس و ناامید شدند.

سؤال این است که چرا "بختک" اپوزیسیون راست رژیم جمهوری اسلامی، این بار هم "دست از پا درازتر"، نه تنها توانست خود را "یکدست" کند و مورد "پذیرش" قرار گیرد، بلکه شکاف‌ها و تفرقه درونی‌شان بیشتر شد و دوباره در همان بحران استراتژیک شان غوطه‌ور شدند.

تحرك و تلاش برای همگرایی و بدنبال از هم زدایی نیروهای اپوزیسیون بورژوایی در ماه‌های اخیر تحت تاثیر خیزش‌های جاری در ایران امر تازه‌ای نبود و در تند پیچ‌های سیاسی گذشته هم، به اشکال مختلف خود نمایی کرده بود. آنچه این بار آن را تا حدودی متمایز می‌کرد، بهم خوردن بلوک بندی‌های تاکتونی و نمایاندن چهره واقعی این جریان‌ها در بیگانگی آنها با جنبش‌های انقلابی در جامعه ایران بود. بارزترین نمونه در طیف مشروطه خواه و سلطنت طلب بوقوع پیوست. این طیف به رهبری رضا پهلوی به تدریج از ادعاهای "همه با همی" قبلی خود، مبنی بر جبهه فراگیر نیروهای بورژوایی و از سلبریتی‌های خویش فاصله گرفت و آشکارتر چهره فاشیستی و تمامیت خواهانه‌ی خود را با رونمایی چهره‌های منفور ساواک و حمله به نیروهای دیگر اپوزیسیون و تظہیر نیروهای نظامی رژیم عوض کرد، تا این پیام را به قدرت‌های امپریالیستی برساند که آنها هم از ظرفیت‌های سرکوبگری از نوع جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب برخوردار هستند. اما این پیام هم از طرف سلطنت طلبان "کارنامه دار"، برای رفع نگرانی قدرت‌های غربی و ترجیح دادن آنها کافی نیامد. امری که در نرمش‌ها و سازش‌های اخیر آمریکا و غرب با جمهوری اسلامی به روشنی خود را نشان می‌دهد که آخرین نمونه آن صدور مجوز برای آزادسازی تقریباً سه میلیارد دلار پول بلوکه شده ایران در

عراق توسط آمریکا است.

تلاش‌ها و همگرایی طیف‌های مختلف لیبرال، جمهوری خواه و ناسیونالیست هم در این دوره تاکنون ره به جایی نبرده است. "شورای مدیریت گذار" و "شورای ملی تصمیم" تلاش‌هایی را در راستای گسترش همکاری‌های طیف بورژوایی و پیشبرد پروژه‌های سیاسی مشترک برداشتند و آماج مشترک خود را "حفظ حاکمیت ملی و یکپارچگی سرزمین ایران، پذیرش دموکراسی پارلمانی مبتنی بر جدایی دین از دولت، پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر و ..." اعلام کردند. این تلاش‌ها همگی به سرعت کمرنگ شدند و صف بندی‌های جدیدی در میان آنها شکل گرفت. این سرنوشت تا حدی در مورد اصلاح طلبان داخل کشور که تلاش‌هایی را برای همگرایی موسوی انجام دادند نیز صادق است. اما نه این تلاش‌ها و نه ائتلاف رضا پهلوی و هم پیمانانش در همایش دانشگاه جرج تاون واشنگتن نتوانست کارساز باشد و به همان سرعتی که به ضرب تبلیغات "همگرایی" برپا شده بود از هم پاشید.

مراسم دانشگاه "جرج تاون" حرکتی بود در راستای ائتلاف رضا پهلوی - سلطنت طلبان - و جمهوری خواهان لیبرال تا سکان رهبری اپوزیسیون راست را در دراز مدت بدست بگیرند و آلترناتیو قدرتمندی برای جامعه ایران ایجاد کنند. اما بدلیل تمامیت خواهی رضا پهلوی برای رهبری از یکسو و سهم خواهی جمهوری خواهان لیبرالی چون حامد اسماعیلیون و مسیح علی نژاد در رهبری و به عبارتی دیگر استراتژی‌های متفاوت آنها در هدف اپوزیسیون راست، به سرعت دچار انشعاب و جدایی شدند. این یکی از بزرگترین ضربات بر اپوزیسیون راست پس از جنبش انقلابی ۱۴۰۱ است. اکنون اپوزیسیون راست انسجام خود را از دست داده و این فرصتی مناسب برای پیشروی بلوک چپ انقلابی است.

دلایل بحران استراتژیک اپوزیسیون بورژوایی تا آنجا که به رابطه رژیم جمهوری اسلامی با قدرت‌های جهانی برمی‌گردد، بدو باید در این امر دید که قدرت‌های امپریالیستی همچنانکه بارها و بارها اعلام کرده اند جابجایی جمهوری اسلامی را در دستور کار ندارند، و پروژه "رژیم

چنجی" هنوز در دستور کار آنها نیست. به این معنا که از مهار جنبش سرنگونی به سختی در هراسند و از پیامد پیشروی جنبش انقلابی در ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی بر منطقه برای قدرت‌های سرمایه داری قابل پیش بینی نیست. البته این به آن معنا نیست که حکومت اسلامی را تثبیت شده می‌یابند و هنوز برای ماندگاری آن خوش بین هستند، بلکه ضمن پذیرش آغاز پایان ماندگاری حکومت اسلامی، گزینه‌ی محکم و قابل پشتیبانی و مطمئنی برای مهار جنبش و جابجایی مها رسیده، دم دست ندارند. بازی دادن نیروهای اپوزیسیون بورژوایی رژیم اسلامی از طرف دولت آمریکا و دولت‌های اروپایی با جلو صحنه راندن آنها به کمک رسانه‌های امپریالیستی در واقع به هدف اعمال فشارهای کنترل شده دیپلماتیک و سیاسی توأم با تداوم تحریم‌های اقتصادی، امتیاز گرفتن از جمهوری اسلامی در منازعه هسته‌ای، منع تولید موشک‌های بالستیک دوربرد، پایان دادن به مداخله‌گری‌های نظامی در منطقه و دست کشیدن از حمایت روسیه در جنگ اوکراین و در یک کلام رام کردن رژیم اسلامی و اخلال در بلوک - مسکو - چین است.

از سوی دیگر، تا آنجا که به رابطه این اپوزیسیون با جامعه ایران بازمی‌گردد، اولاً ما شاهد این واقعیت هستیم که بنا به ماهیت و جایگاه طبقاتی ضد مردمی آنها، درواضع انقلابی کنونی ایران نمایندگی هیچ یک از جنبش‌های اجتماعی در صحنه را نمی‌کنند و دوم آنکه آنها هیچ استراتژی متفاوتی برای حل بحران‌های نهادینه شده اقتصادی و اجتماعی در ایران را در دستور ندارند. آنها خواهان حفظ ارتش و سپاه پاسداران و دستگاه عریض و طویل بوروکراسی دولتی برای حفظ مناسبات سرمایه‌داری هستند، که در ایران تنها با استبداد دوگانه طبقاتی - نئولیبرالی و حکومتی امکان پذیر است. آنها روشن نمی‌کنند که چگونه با حفظ مناسبات سرمایه‌داری و پیروی از الگوی بازار آزاد و برنامه‌های نئولیبرالی با مدیریت غیر اسلامی می‌خواهند توسعه پایدار اقتصادی سرمایه‌داری را تضمین کنند و عدالت

اجتماعی سرمایه‌داری یعنی عدالت



عباس منصوران

مفهوم حاکمیت شورائی!

و مردمی نه بر فراز سرجامه، برای جامعه باشند.

- کمون نباید یک اداره پارلمانتاریستی، بلکه اداره عامل، مقنن و مجری باشد.

این حکومت، دیگر حکومت به معنای خاص کلمه نیست، بلکه بستری است منطقی

و اصولی برای پیشبرد هرچه انسانی تر و آگاهانه تر محو طبقات، لغو امتیازات طبقاتی

و از خودبیگانگی انسان. برای پیش گیری از بازتولید حکومت سرنگون شده، باید

با آغاز از کمونیسم شورائی بر ناکحکومتی یا حکومت تراز کمون که گذاری است

به جامعه کمونیستی پای فشرده. برای تحقق سوسیالیسم، بین جامعه سرمایه داری و

کمونیستی روندی دگرگون کننده و گذاری پیوسته و بی درنگ وجود دارد. این گذار

با یک گذار سیاسی همراه است که در آن حاکمیت سیاسی پرولتاریا، یا همانا حاکمیت

شورائی، چیزی جز دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا نیست. انگلس پس از مرگ مارکس

در پیشگفتار جنگ داخلی فرانسه نوشت: «واژه دیکتاتوری به اراذل آلمان شوک وارد

آورد. خوب آقایان، شما می خواهید بدانید که این دیکتاتوری چیست؟ کمون پاریس را

بینید، این دیکتاتوری پرولتاریاست.»

با برداشت از مانیفست:

طبقه کارگر سازمان یافته با حاکمیت سیاسی خویش، تمام سرمایه و دیگر ابزار تولید را

از چنگال بورژوازی بیرون می آورد و قدرت سیاسی را در اختیار پرولتاریائی که به عنوان

طبقه حاکم سازمان یافته است، تمرکز خواهد داد، این سازمان سیاسی قدرت، حکومت

حزبی و احزاب نیست و با حکومت های تاکنونی که زیر نام حومت کارگری یا

سوسیالیسم معرفی شده اند، هیچگونه همسانی ندارد؛ بلکه سازمانی است شورائی

و جایگزین حکومت بورژوائی. نام چنین حاکمیتی خواه دیکتاتوری مولدین زندگی

و بهینگی و خودگردانی باشد چه حاکمیت شورایی مهم نیست، آنچه تعیین کننده است

ماهیت و عملکرد چنین ساختاری است و آنکه در خدمت چه بخشی از جامعه

و طبیعت و زندگی است.

با پیشرفت دانش و آگاهی بشری در تمامی زمینه ها و به پیرو آن بازتر شدن افق دید

به ویژه در پی فروپاشی سوسیالیسم حکومتی در بلوک شرق و با آشکارتر شدن برخی از

سبب های شکست انقلاب کارگری اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، به اجبار شماری از مدعیان

سوسیالیسم به بازنگری و یا به ضرورت به بازاندیشی پیرامون مفاهیم سیاسی روی

آورده اند و اگر خواهان دگرگونی در نگرش و فرارفت از ایستایی باشند باید روی آورند.

این واقعیت حتی دگماتیست های سستی را به تکرار فرمول وار برخی از مفاهیم پایه ای

مارکسی ناچار ساخته است. این به خودی خود گامی است به پیش. مفهوم حاکمیت

شورائی یا حکومت تراز کمون، از جمله مفاهیمی است که این روزها در سطح شعار

و نه محتوا، زینت بخش برخی ارگان ها و یا نوشتارها گردیده است.

سازمان سیاسی حاکمیت پرولتری:

۱- پرولتاریا در انقلاب خود و پس از سرنگونی حکومت بورژوازی، برای اداره

امور کل جامعه، به آنچنان ابزار و ساختار سیاسی نیازمند است که حکومت، نتواند بار

دیگر خود را بازتولید کند.

۳- دیالکتیک طبقه - حکومت بر آن است که، حکومت نهادی است طبقاتی. یعنی که باید از

طبقه گذر کند و نفی شود.

۲- حکومت به سان تجلی موهوم یا خیالی منافع عمومی (۱) در تحلیل نهائی، چیزی

نیست جز نهادی طبقاتی برای هژمونی و اقتدار.

۴- به ناگزیر بازتولید حکومت، بازتولید طبقه را در پی خواهد داشت.

بنا به برداشت مارکسیستی از کمون پاریس:

- پرولتاریا باید در یک انقلاب پیروزمند، ماشین حکومتی کهنه را نابود کند.

- ارتش، پلیس و کارمندان باید برچیده و به وسیله یگان ها و میلیس مسلح و با

خودگردانی جمعی توده های کارگر، زنان و آزادیخواهان که دارای نمایندگان مورد

اعتماد، مسئول، برگمارده شده و در صورت لزوم برکناری می باشند؛ با ساختار شورایی

→ سرمایه به سود ستمگران، برنامه های

رفاهی به تاریخ پیوسته که حتی در زادگاه دولت های رفاه در غرب به استبداد خشن

گراییده و برابری زن و مرد که وعده ی آن در مناسبات طبقاتی سرمایه داری که عوامفریبی

و دروغی بیش نیست را برای مردم ایران به ارمغان بیاورند و به بیکاری که از ضرورت ها و

پی آمده های مناسبات سرمایه داری است به فاجعه بیکاری پایان دهند. زمانی که در پلاتفرم این

نیروها از همان مدل اقتصاد بازار آزاد و سیاست های نتولیرالی رایج در کشورهای سرمایه داری

پیروی می شود، دروغین بودن و پوپولیسم تمام وعده های آنها در مورد عدالت اجتماعی و

برنامه های رفاه اجتماعی و برابری زن و مرد و --- برملا می شود.

با همه این احوال و علیرغم بحران استراتژیک اپوزیسیون بورژوائی همانگونه که تاریخا و در

تجربه شاهد بوده ایم، در روندهای سیاسی جامعه آنها به اتکا به اقشاری از جامعه که منافع

خود را در گزینه های اپوزیسیون بورژوائی جستجو می کنند، می توانند در فرصت هایی

دیگر مورد استفاده قرار گیرند. این امر بویژه در غیبت حضور سازمان یافته و قدرت مند

قطب چپ جامعه و در راس ان جنبش کارگری می تواند پررنگ تر گردد و از آنها به عنوان

نیروهای ضد انقلابی در مقابل رشد و اعتلای انقلاب بهره گرفته شود. از این روی ضعف

و درماندگی اپوزیسیون بورژوائی در این دوره نباید برای چپ جامعه که متکی بر جنبش های

رادیکال جامعه است، نوعی خوش بینی ایجاد کند.

طرد و مرزبندی با گزینه های بی ربط به منافع توده های کارگر و زحمتکش و تهیدستان

جامعه، در گرو افشای پیگیرانه و مستمر پروژه های فریبکارانه آنها برای به انحراف

کشاندن روندهای انقلابی در جامعه و حفظ منافع سرمایه داران است. در عین حال افشاگری

به تنهایی کافی نیست و باید امر سازمان یابی و ساماندهی جنبش کارگری و همه جنبش های

مترقی و رادیکال که در دور اخیر نمونه های درخشانی از آن را شاهد بوده ایم را به عنوان

ستون و پایه های گزینه و آلترناتیوی شورایی و از پایین در دستور عاجل امروز داشت. وظیفه ی

اصلی نیروهای چپ و کمونیست بویژه در این دوره که پیشروان جنبش های اجتماعی و طبقاتی تلاش های ارزشمندی را در راستای

سازماندهی در دستور دارند، یاری رساندن و کمک به رشد و تقویت این روند است.



حاکمیت شورائی، برخلاف حکومت بورژوائی، از نخه‌گرایی اشراف منشانه به دور است، تثبیت‌گرا نیست و در سیری ذوب شونده درحال دگرگونی است. یعنی از همان آغاز پیدایش خویش، گام به گام نفی خود را می‌آغازد. این سازمان سیاسی قدرت طبقه‌کارگر از سازمان‌های سیاسی توده‌ای کارگران و زحمتکشان متحد طبقه کارگر بنیاد می‌گیرد و برای پیشبرد امور جامعه و برای زوال خویشین خویش سازمان می‌یابد.

برپایی و سازمان‌یابی چنین ساختاری (یا به بیان دیگر: قدرت سیاسی طبقه‌کارگر)؛ اما نه تنها بورژوازی، بلکه بسیاری از مدعیان سوسیالیسم را که در واقع چیزی جز سوسیال دموکرات‌های راست و چپ وطنی نیستند، به هراس می‌افکند. آنان، گزینۀ «دمکراسی» که همان کلاه گشاد و پوپولیستی سرمایه داری است را در میان می‌گذارند.

نامی که زیر نام سوسیالیسم با الگو برداری از ساختارهای سنتی مانند دبیر کل و غیرو و دیگر ساختارهای هرمی و نیابتی به جای رهبری شورایی در پندار برقراری حاکمیت حزبی و حکومت بر جامعه و طبقه‌کارگر هستند؛ به‌ویژه در جوامعی مانند ایران، تداوم استبداد سرمایه‌داری حکومتی - نوع شرقی - را در خیال دارند؛ که برگردان نوع غربی‌اش همان تداوم بوروکراسی بورژوائی است.

جامعه طبقاتی برای فرمانروائی بر جامعه و برای در چنگ گرفتن تولید و حاکمیت بر تولید و دارائی‌های جامعه، نیازمند حکومت است؛ حکومتی که برای اداره امور جمعی کل بورژوازی الزامی و ابزار فرمانروایی و استثمار و هژمونی طبقاتی و سیاسی و فرهنگی آنان است. جامعه سوسیالیستی وظیفه‌دار دگرگونی این قانونمندی طبقاتی است. این حکومت پس از واژگونی نباید اجازه، مجال و زمینه با ز تولید و بازسازی داشته باشد. ساختار جایگزین حکومت، سازمان سیاسی خودگردان تولیدکنندگان یا حکومت کمون - کمونی که دارای ویژگی‌های

زیر است - می‌باشد:

تجربه‌ی کمون پاریس، جامعه‌ی حکومت شونده را برآن خواند تا با پس گرفتن قهر حکومتی با نیروی انقلابی خویش، همانا چون قدرت زنده خویش، زنان و مردان را به سرنوشت جمعی خود بازگرداند. شیوه‌ی خودحکومتی کمونی جایگزینی جمعی برای اداره‌ی زندگی و هستی و زیست و بوم خویش سازمان داد و آن فرمانروایی قهری که و جبری که جامعه را فرودست کرده و پست نگه داشته بود را درهم کوبد. این یک گام تاریخی برای شیوه‌ی شورایی بود که کارگران در روسیه در اکتبر ۱۹۱۷ در دومین گام انقلابی زنان و مردان کارگر و ستمبر برداشتند و به جای ۷۳ روز، نزدیک به ۵ سال در محاصره و جنگ داخلی و خارجی ادامه یافت.

حاکمیت تراز کمون، یعنی بازپس گرفتن قهری و قهرمانه‌ی زنان و مردان خودآزادگر برای برپایی حاکمیتی شورایی از سوی خود توده‌های مردم است، و «به جای قهر سازمانیافته برای اعمال فشار و سرکوب، قهر ویژه‌ی خویش را می‌آفریند». (۳) حکومت بناچار همان‌گونه که مارکس پافشاری دارد، باید در برابر خودگردانی تولیدکنندگان، تسلیم شود. (۴) این ساختار انقلاب مداوم پرولتاریا یا پایه‌گذار لغو طبقات و محو حکومت می‌باشد. حکومت بورژوائی، در هر شکل و ساختار، در دموکراتیک‌ترین و مدنی‌ترین آن، استبدادی است. حکومت و دولت و دمکراسی در جوامع سرمایه‌داری چیزی نیست جز ابزار قهری، سیاسی و سازماندهی طبقه بورژوا و تلاش برای تضمین منافع و حاکمیت سرمایه و بیمه منافع و خواست‌های اعضای خود، در برابر طبقه استثمار شونده.

منابع:

- ۱- مارکس، ایدئولوژی آلمانی.
- ۲- مارکس، جنگ داخلی در فرانسه.
- ۳- مارکس، پیش نویس اولیه جنگ داخلی در فرانسه.

"مبارزه طبقاتی را تا آخر به پیش ببریم!"



بخشی‌هایی از سخنرانی‌های ناتالی آرتو ۲۸ می ۲۰۲۳: در همایش بین‌المللی رزم کارگری در فرانسه

ناتالی ایوان ترز آرتو (زاده ۲۳ فوریه ۱۹۷۰) دبیر اقتصاد دبیرستان، عضو رهبری و سخنگوی رزم کارگری در فرانسه می‌باشد. برای استفاده از تریبون انتخابات و نه به توهم پارلمان‌نارستانی، بلکه همانگونه که خود بارها در گردهمایی‌ها انتخاباتی اعلام کرد: خواهان سرنوشتی انقلابی مناسب است و حاکمیت سرمایه‌داری است. به همین هدف، آرتو چندین بار در انتخابات ریاست جمهوری در سالهای ۲۰۱۲، ۲۰۱۷، و ۲۰۲۲ نامزد رزم کارگری بود که به ترتیب در جایگاه نهم، دهم و دوازدهم قرار گرفت.

++++

در روزهای پایانی هفته ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ می، همایش بزرگ جشن سالانه‌ی رزم کارگری (Lutte Ouvrière) در فرانسه یک دستاورد بزرگ بود. به مدت سه روز، در پارک جنگلی پریسل (پرل)، ده‌ها هزار نفر توانستند نگاهی کوچک به آنچه که آنرا می‌توان یک جامعه همبسته انسانی و رفیقانه نامیده شود شرکت داشته باشند. دو دیدار ناتالی آرتو (سخنگوی رزم کارگری)، گزیده‌هایی از سخنرانی‌های او در دو سخنرانی پرشور این همایش، در اینجا منتشر می‌کنیم.

این رفاقت و همبستگی را در چهارماهه‌ی بسیج و آمادگی ما در همه‌ی تظاهرات (علیه رفرم بازنشستگی - توضیح مترجم) در سراسر کشور تجربه کرده ایم. تظاهراتی که در آن صدها هزار نفر از ما در سراسر کشور و از همه‌ی حرفه‌ها، از کارکنان بخش‌های دولتی تا خصوصی، همه پیر و جوان جمع شدیم، همایش عظیمی که فراتر از احساس همبستگی بود، زیرا ما تولد دوباره‌ای یافتیم: وجدان‌های آگاهی که میدان مشترک و واحدی را پی ریزی کردند، یعنی یک طبقه‌ی اجتماعی، یک نیروی متحدی که با فریاد خویش امید را در نفس می‌نشانند و احترام را بر می‌انگیزانند.

این برای عقب نشینی ماکرون کافی نبود. نه به این دلیل که شکست ناپذیر خواهد بود، بلکه به این دلیل که اردوگاه ما از سلاح اصلی خود استفاده نکرده است: اعتصابی



تحوالی آگاهند. حتی کارگران مبارزی که از پیشبرد مبارزه طبقاتی علیه کارفرمایان آگاه ی دارند، باور ندارند که قادر به سرنگونی طبقه سرمایه دار و به دست گرفتن قدرت هستند. و این چگونه ممکن است، در حالی که همه سیاستمداران خود را به عنوان مسیح معرفی می کنند؟ ببینید لوپن، که از بسیج حقوق بازنشستگی دور مانده است، چگونه تلاش ورزید تا با عجله بگوید که مردم هنوز ابزاری برای مخالفت و لغو قانون بازنشستگی در ۶۴ سالگی دارند: باید تا سال ۲۰۲۷ منتظر بمانند و به آن رای دهند، زیرا (ماری لوپن) قانون را لغو می کند. این مزخرف است! اگر لوپن انتخاب شود، کاری را که بورژوازی از او می خواهد، مانند دیگران انجام خواهد داد، و با خارجی هراسی علیه مهاجرت آنها، بذر ناتوانی و چند دستگی را در صفوف طبقه کارگر می نشاند. این خطوط بلافاصله وی را در اردوگاه سرمایه داران قرار می دهد.

ملانشون (رهبر "فرانسه غیر مطیع و نافرمان La France insoumise" او نمی تواند بگوید "تا سال ۲۰۲۷ صبر کنید تا من انتخاب شوم" زیرا مطمئن نیست که نامزد نوپ ها Nupes باشد، (به رهبری ژان لوک ملانشون که ائتلافی است از حزب سوسیالیست و حزب کمونیست فرانسه یعنی نیروهای سوسیال دمکرات و اکولوژیست - داخل پرائتز از مترجم) اگر واقعاً نوپ ها تا انتخابات ریاست جمهوری بعدی دوام بیاورند. اگر این او نیست که آن را تأیید می کند، رهبران لافرانس انسومیز همراه PS و یا PCF می گویند: برای رأی دادن به "وحدت چپ" آماده شوید و نجات خواهید یافت! اما بگذارید برای ما توضیح دهند که چرا چپ ها هر زمان که در قدرت سیاسی بودند هرگز اصلاحاتی (نظیر بازنشستگی بر مبنای ۶۰ سال و یا رفرم قانون کار را به تثبیت نرساندند - توضیح مترجم) تا اینگونه راست ها، آنها را به ما تحمیل نمایند.

برای اینکه بتوان در برابر فشارهای بورژوازی بزرگ مقاومت کرد، باید آماده مبارزه واقعی با آن بود، یعنی تا پایان، یعنی تا زمان سلب مالکیت آنچه که اساس سلطه سرمایه داری را تشکیل می دهد: یعنی سرمایه اش. شما باید یقین پیدا کنید که جامعه بدون این لایه انگل می تواند برپا بماند [۱].

این آگاهی است که باید گسترش یابد. این تنها زمانی واقعاً ممکن است که کارگران بسیج شوند. هنگامی که بسیج توسط خود کارگران به صورت دموکراتیک رهبری می شود، آنها نه تنها ظرفیت و توانایی های خود

بله، گرمایش زمین که پیامد آلودگی است، زندگی بشریت را مختل می کند. و باید آن را نتیجه ی مناسباتی دانست که در آن سود و قیمت های بازار سهام همیشه مقدم بر بقیه است. بنابراین، بدون زیر سؤال بردن پایه های نظام اقتصادی مان: مالکیت خصوصی، رقابت و رقابت برای سودآوری، با آن مناسبات درگیر نخواهیم شد.

اکنون همه دولت ها از صنعت کربن زدایی یا صنعت سبز صحبت می کنند. اما مراقب باشید، آنها تولیدکنندگان را مجبور به آلودگی کمتر نمی کنند: آنها را با ریختن میلیاردها بر سر تشویق هم می کنند! [۲]

گفتن از برنامه ریزی، در میان حاکمان به یک مد بزرگ تبدیل شده است. اما آنها چه برنامه ای دارند؟ پیشرفته ترین برنامه ریزی امروز، میلیتاریسم دوباره، تولید مهمات، تانک و موشک است.



مبارزه طبقاتی را علیه کارفرمایان به پیش رانیم!

بی عدالتی بیشتر، نابرابری بیشتر، جنگ های بیشتر، این چیزی است که سرمایه داران و خدمت کاران سیاسی آنها برای ما و فرزندانمان در نظر گرفته اند! بنابراین، در برابر مالکیت خصوصی یک اقلیت بسیار کوچک، ما باید از دورنمای کلکتیویزیویان یا نیز دولتی کردن ابزار های بزرگ تولیدی نیز مخالفت کنیم. باید با همکاری و برنامه ریزی با رقابت و بازار کور مقابله کرد و مالکیت خصوصی چه بشکل فردی و یا از نوع کلکتیو دولتی (این مسئله شامل مالکیت حزبی نیز می گردد - مترجم) مردود شناخت. باید با دیدگاه و نگرش انقلابی کمونیسم، در برابر سرمایه داری مخالفت و ایستادگی کرد! تنها اقلیتی از ضرورت و امکان وقوع چنین

که از کارخانه به کارخانه و از بخشی به بخش دیگر گسترش نیافت. اعتصابی که به کیف پول و کسب و کارهای بزرگ آنها و در نتیجه به انگل های اشراف مالی آسیب می رساند. اعتصابی که به کارگران اجازه می دهد در مورد روزگار و کار خود به شور و گفتگو پردازند، بسیج و سازماندهی کنند، دست به ابتکار عمل زنند و با چنین روشی از مبارزه که در دل صاحبان سرمایه هراس می افکند. [۳]

رویارویی با تهدید جنگ: نه، به اتحاد مقدس!

ما با سیستمی روبرو هستیم که می خواهد ما را بسوی جنگ بکشاند. [۴] برای این هدف، صدای چکمه ها از هر سوی بگوش می رسند. نه تنها به دلیل جنگ در اوکراین و خطرات تشدید هر چه بیشتر نظامی، بلکه به این دلیل که ایالات متحده و پشت سر آنها، امپریالیست های درجه دو، از جمله فرانسه، افکار عمومی را برای احتمال جنگ علیه چین آماده می کنند. نه فقط افکار عمومی را آماده می کنند! بلکه همچنین همه ایالت ها با راهپیمایی اجباری دوباره مسلح می شوند. آنها توضیح می دهند که هزینه های نظامی خود را افزایش می دهند و می خواهند به اقتصاد جنگی روی بیاورند. [۵]

احزاب اپوزیسیون گوش هایشان کر است و در برابر اینگونه واقعیت ها سکوت می کنند. سکوت احزاب مخالف حتی گوشخراش است. اگر سکوت می کنند به این دلیل است که درباره سیاست مکرون حرفی برای گفتن ندارند. اگر قرار بود جنگ گسترده شود، رهبران به اصطلاح اپوزیسیون در نهایت در مقابل ماکرون برای دفاع از منافع امپریالیسم فرانسه در معرض توجه قرار می گرفتند. همانطور که اجداد سیاسی آنها همیشه چنین کرده اند: این همان است که همواره اتحاد مقدس نامگذاری می شود.

خب شاید ما تنها باشیم، اما اتحادیه مقدس پشت ماکرون را تشکیل نمی دهیم! هیچ حمایتی از سیاست جنگ طلبانه دولت فرانسه نمی نمائیم! نه به تحویل اسلحه! نه به دو برابر شدن بودجه دفاعی! نه به نظامی گری و ناسیونالیسم!

سرنگونی سرمایه داری، یک ضرورت

سرنگونی سرمایه داری یک ضرورت برای تضمین آینده برای کره زمین و برای کل بشریت است. [۶] ۳۴ میلیون نفر به دلیل بلایای آب و هوایی آواره شده اند. فردا چند تن دیگه؟

همه، در ورودی جشنواره بررسی‌هایی امنیتی لازم انجام می‌گرفت. فروش مواد توتونی ممنوع بود و به دلیل فضای کوچک و زیادی جمعیت، اعلام شده بودک: «علیرغم علاقه ما به طبیعت و علاقه ما به دوستان چهارپایمان، پذیرش آنها در فضای کوچک جشنواره امکان پذیر نیست، به ویژه ورود به شهر بازی شوند (البته به جز سگ‌های راهنما برای نابینایان). ساکنان پریسل پذیرفته بودند که جشنواره سوسیالیستی را میزبانی کنند. با احترام به املاک، زرده ها و ممنوعیت پارکینگ، به دهها هزار شرکت کننده یاری دادند.

نه به مواد مخدر!

رزم کارگری از پیش اعلام کرده بود که: «مهمانی ما بهشت کوچکی است، پس نیازی به جست و جوی بهشت‌های تخیلی نیست. ما به روشنی می‌گوییم: مصرف مواد مخدر و داد و ستد آن در جشن ما ممنوع است.»

رزم انقلابی، در پیرامون سینه سیاسی خود با نصب تابلوهایی تاریخچه‌ای به زبان فرانسه از انقلاب مشروطه و تشکیل حزب کمونیست ایران در سال ۱۹۱۹ تا سالهای اخیر با عکس‌هایی از نخستین دبیر حزب کمونیست ایران، رفیق سلطانزاده و حیدر عموغلی و... برپا کرده بود. ویدیویی از این نمایشگاه تهیه شد که پس از تدوین از تلویزیون حزب کمونیست ایران به نمایش گذارده می‌شود. رفیق حمید فروتن، آماده سازی نمایشگاه، میز کتاب و مستند سازی این همایش و سخنرانی‌های را به عهده داشت.

از غرفه حزب و نمایشگاه پوستر در بردارنده بیش از ۵۰ پوستر ۳ از خیزش انقلابی جاری و میز کتاب، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها و و ویدیوهایی تهیه شده‌اند که پس از تدوین به نمایش گذارده می‌شوند.

پرلاشز و دیوار کمون

پس از پایان این کارزار سوسیالیستی، از گورستان پرلاشز دیدار کردیم. و در برابر دیوار کمون، محل تیرباران صدها ققنوس شورایی یعنی کمونارددها بود سرستایش فرود آوردیم و پیمان مبارزاتی بستیم. کمونارددهای آخرین روزهای ۷۳ روزه‌ی حاکمیت شورایی کمون در آخرین روزهای ماه می مقاومت را به این گورستان کشانیده بودند و ارتش ورسای که در جنگ با پروس آتش بس برقرار و از پشتیبانی ارتش بیسمارک صدراعظم

پروس برخوردار بود، کمون را به

و درخشان جنبش کمونیستی هستند ناشدنی بود.

نخستین سخنرانی به مدت بیش از ساعت و ۱۵ دقیقه همراه با پرسش و پاسخ در فوروم شماره ۱ سینه سیاسی، را رفقای حزب کمونیست مرضیه نظری و عباس منصوران به زبان‌های فارسی و انگلیسی و به یاری رفیق محبوبه امیری از فعالین شناخته شده و با تجربه کمونیست ساکنن پاریس که با شوری انترناسیونالیستی همراهی و ترجمه فرانسوی را به عهده گرفت، با حضور پرشور شرکت کنندگان انجام گرفت. از غرفه حزب کمونیست دیدارهای ارزنده‌ای انجام گرفت. جنبش جاری در ایران رنگ دیگری به این همایش سوسیالیستی بخشیده بود، در همان روز از سوی خود رزم کارگری سخنرانی ویژه در باره خیزش انقلابی در ایران انجام گرفت. تحلیل و ارزیابی آنان عینی و ارزنده بود. با بیش از ده نماینده از سازمان‌های شرکت کننده مصاحبه شد، قرار برای تماس‌ها، همبستگی‌ها و همکاری‌های مبارزاتی، پخش تاریخچه‌ی کوتاه حزب کمونیست ایران به زبان انگلیس، و چندین ساعت فیلم و صدها عکس و سند و روزنامه و آدرس برای تماس و مبادلات مبارزاتی و تدارک گامهای انترناسیونالیستی و تجربه اندوزی بخشی از دستاوردهای شرکت ما در این همایش انقلابی بود.

حضور و دیدار ایرانیان در این همایش انقلابی بسیار کم‌رنگ بود. فعالین رسانه‌ای و سوسیال دمکراتهای ایرانی که خود را «کمونیست» و چپ می‌نامند در این جشنواره، برخلاف حضور پررنگ و تبلیغاتی در همایش‌های رفرمیستها و اتحادیه‌ها و نسدیکاهای زرد، نمایانگر تحریم و موضع سیاسی سوسیال دمکراتیک و راست آنان بود.

هزینه ورود برای کودکان زیر ۱۴ ساله رایگان بود. در داخل دهکده برگزاری، همه نمایشها، سینما، تئاترها، بحثها، خدمات[] برای همه رایگان بود. تنها برای غذا، صنایع دستی، کتاب، برخی جاذبه‌های ویژه پرداخت می‌شد.

راهنما برای رسیدن به محل و نیز اتوبوس برای کسانی که پیاده روی نیم ساعته‌ی تا بلندی را نداشتند آماده و رایگان بود. از مناطق دیگر حرکت دسته جمعی، با اتوبوس یا قطار، از بسیاری از شهرها در همه مناطق سازماندهی شده بود. صفحات منطقه‌ای وب سایت رزم کارگر (Lutte Ouvrière) اطلاعات کامل در اختیار قرار می‌داد.

شرکت کنندگان از آمریکا و انگلستان و آلمان و برخی کشورهای آمریکای لاتین، یونان و ترکیه حضور فعال داشتند.

مانند همه رویدادهای جاری، برای امنیت

را برای عمل کشف می‌کنند، بلکه مهمتر از همه برای انجام آنها ابتکار عمل کرده و خود را سازماندهی می‌کنند. همچنین در این لحظات است که می‌توانند خارج از مسیرهایی که بورژوازی ترسیم کرده اند بیاندیشند، تکامل یابند و خود را دگرگون کنند. با چنین اقدامی است که کارگران می‌توانند متوجه شوند که نماینده یک نیروی سیاسی هستند. []، بله، در چنین لحظاتی است که کارگران می‌توانند به طور گسترده ایده‌های انقلابی را دست آورند. و برای همین لحظات است که امروز مبارزه برای ایجاد یک حزب کمونیست انقلابی ضروری است. یک حزب کمونیست انقلابی که می‌تواند خود را به تمام آن ارزش‌های سیاسی مسلح کند که رهبران انقلابی مارکس، لنین، رزا لوکزامبورگ، تروتسکی از تاریخ طولانی و غنی جنبش کارگری استخراج کردند. []

برگرفته از بخش فرانسه‌ی تارنمای چشم انداز کارگری

<http://www.chiran-echo.com>

گزارش کوناهی از شرکت دفتر روابط بین‌الملل حزب کمونیست ایران در جشنواره رزم کارگری

در روزهای شنبه تا دوشنبه ۲۷، ۲۸ و ۲۹ ماه می ۲۰۲۳ همایش بزرگ کارگری- سوسیالیستی، در پارک بزرگ جنگلی چندین هکتاری، در پریسل، شهری کوچک در والدواز، در ۳۰ کیلومتری شمال پاریس، بین لایل آدم و بومونت برگزار شد.

روز شنبه از ساعت ۱۱ صبح تا ۲۳ همایش برپا شد و سپس بدون وقفه از ساعت ۹:۰۰ صبح یکشنبه، تا عصر دوشنبه ساعت ۲۰:۰۰ با شور انقلابی و شادی همراه بود که در میان شور هزاران شرکت کننده با سرود انترناسیونال پایان یافت. دنیایی کوچک به سوی افق بزرگ سوسیالسم در سه روز درخششی بود در میان تاریکی جهانی که مناسبات سرمایه‌داری با جنگ و دود و خون تیره و تار ساخته است.

نمایندگانی از دفتر روابط بین‌الملل حزب کمونیست ایران، در این جشنواره پرشکوه دعوت شده بودند و در میان بیش از ۲۰۰ غرفه، غرفه شماره ۱۵۱ در کنار غرفه کمون پاریس و رفقای از یونان برای برپایی نمایشگاه پوستر و کتاب و ادبیات کمونیستی و پرچم حزب و کومه‌له برایشان آماده شده بود. این دعوت بدون پشتیبانی بی دریغانه و انترناسیونالیستی رفیق احد بخرد طبع که یکی از رفقای صادق

اعلامیه کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران به مناسبت ۲۰ ژوئن روز پناهنده!

بر جهان ما میباشد. قربانیان این فاجعه همانا کسانی هستند که از جهنم افغانستان، سوریه، عراق، ایران، یمن، سودان، اریتره، لیبی، پاکستان و سومالی میگریزند و در جستجوی یک زندگی انسانی فارغ از جنگ، فقر استثمار و خونریزی به دیار موعودی روی میآورند که از همان بدو و در آن همچون مجرمین و بردگان برخورد می شود.

دولتهای امپریالیستی حاکم بر جهان تا آنجا که کانالهای دیپلماتیک و رسمی استعمارگرایانه و استثمار کننده دست آنان را در بهره وری و غارت یک جانبه از طریق بستن قراردادهای خفت بار با کشورهای به اصطلاح در حال توسعه باز میگذارد به تخلیه ذخائر، منابع و نیروی ماهر و استثمار وحشیانه نیروی کار میپردازند. اما زمانی که بدلائل مختلف چنین روندی دچار وقفه و تغییر میگردد، با تشدید تناقضات داخلی کشورها، برافروختن جنگ داخلی و یا منطقه ای و بخاک سیاه نشاندن توده های مردم که اغلب کارگران و زحمتکشان این کشورها هستند، تداوم استثمار و غارت آنان را تداوم و تضمین می بخشند که باعث فرار و درگیری میلیونها انسان میگردد. در عین حال هنگامی که مردمان این سرزمینها مجبور به ترک کشورشان میشوند با سیاستهای بغایت ضد انسانی و جنایتکارانه 'بازدارنده' آنان روبرو میشوند. نشست اخیر وزرای داخله اتحادیه اروپا و تایید سیاست ضد پناهندگی جدید خود تحت نام "قواعد جدید مشترک سیستم پناهندگی اروپا" که از جانب نهادهای و سازمانهای مدافع حق پناهندگی و حقوق بشر از آن به عنوان یک تجاوز آشکار به حقوق و قوانین پناهندگی یاد شده است آینه تمام نمای چنین وضعیتی است.

واقعیت آنست که شرایط حاکم بر جهان ما و تناقضات موجود در کشورهای امپریالیستی موجب گشته متأسفانه بخش قابل توجهی از مردم در رابطه با سیاستهای ضد پناهندگی موجود پاسیومانده و یا به کمپ مخالفین مهاجرین و نژادپرستان تمایل پیدا نمایند. در چنین شرایطی، متأسفانه بسیاری از اتحادیه ها و تشکلهای کارگری نیز عملاً از موضعگیری در مقابل این سیاستها و در دفاع از حقوق پناهندگی سکوت پیشه نموده اند.



۲۰ ژوئن در تقویم سازمان ملل به عنوان روز پناهنده ثبت و در بسیاری از کشورهای جهان و بویژه کشورهای اروپایی مراسم مختلفی از جانب دفاتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و نهادها و سازمانهای پناهندگی برگزار میگردد. مراسم امسال روز پناهنده بشدت تحت تاثیر غرق شدن صدها پناهجو در آبهای یونان و اقدامات 'بازدارنده' کشورهای اروپایی در مورد امکان ورود پناهجویان به این اتحادیه قرار گرفته است.

بنا به آخرین امارتشره از جانب سازمان ملل، اکنون بیش از ۱۱۰ میلیون نفر از مردم جهان از خانه و کاشانه خود رانده شده و در جستجوی دستیابی به حق پناهندگی برای یافتن مکانی که بتوانند در آرامش و صلح زندگی خود را بازسازی کنند، می باشند. این خیل عظیم انسانی که اغلب قریب به اتفاق آنان از کشورهای پیرامونی به اصطلاح در 'حال توسعه' بدلائل سرکوب و شکنجه و اعدام و یا جنگ و فقر و تبعیض و استثمار آواره شده و بناگزی به تبعید روی میآورند، بگونه ای مداوم و روزافزون با سیاستهای ضد پناهندگی و خطرآفرین کشورهای غربی روبرو هستند.

فاجعه انسانی غرق شدن یک کشتی ماهیگیری در سواحل یونان با بیش از ۷۵۰ پناهجوی سرنشین در روز ۱۴ ژوئن و جان باختن حدود ۶۰۰ نفر که اغلب آنان زنان و کودکان بودند به عنوان یک روز سیاه در تاریخ سرشار از جنایت نظام سرمایه داری ثبت خواهد شد. فاجعه ای که مستقیم و یا غیر مستقیم محصول نظام ویرانگر، جنگ افروز و سلطه جوی امپریالیستی حاکم

خون کشانید. دیوار کمونارددها در غرب گورستان پر-لاشز) در ۲۸ تا ۳۱ ماه مه ۱۸۷۱، محل تیرباران دستکم ۱۴۷ نفر از مبارزان کمون پاریس بود که در برابر این دیوار تیرباران شدند. جانباختگان کمون پاریس به دست جنایتکاران سرمایه، افزون بر ۳۵۰۰۰ هزار و زخمی نزدیک به ۴۵ هزار گزارش شده است. در پرلاشز، از آرامگاه انترناسیونالستهای فرانسوی که در جنگ علیه فاشیسم فرانکویی در اسپانیا، جان باخته بودند و تی چند از کمونارددهای، لورا مارکس (دختر دوم کارل مارکس و جنی فون وستفالن) و پل لافارگ همسر فرانسوی لورا که در سال ۱۹۱۱ همراه هم خودکشی کردند و... از آرامگاه صادق هدایت، غلامحسین ساعدی، رزمندگان فرانسوی شرکت کننده و جانباخته در جنگهای ضد فاشیستی در اسپانیا و... ادای احترام کردیم.

به همراه بارفقای کمونیست ایرانی خود در فرانسه، با شرکت در این همایش سوسیالیستی، تلاش آن بودیم که پیام رسان فریادهای خیابانها، زندانها، و کارگران و زنان، دختران همه روزه زیر هجوم گازهای شیمیایی حکومت اسلامی قرار دارند و صدای رزمندگانی باشیم که در نبردی شجاعانه و تاریخی در سراسر ایران و زندانها، چشمان جهانیان را به سوی شرق بازگردانده و امید بخشیده اند.

دوم ژوئن ۲۰۲۳

مرضیه نظری - حمید فروتن و عباس منصوران



فاجعه مرگبار غرق شدن پناهجویان و حافظان قلعه اروپا

به کشور خود و یا کشور به اصطلاح امن ثالثی باز برگردانده خواهند شد. اگر با درخواست پناهندگی آنان موافقت شد در اینصورت بین کشورهای اروپائی تقسیم خواهند شد و اگر کشوری آنان را نپذیرد در اینصورت باید جریمه نقدی بپردازد. این بدان معناست که این کشورها با پرداخت جریمه از به اصطلاح "شر" پناهجویان خلاصی مییابند. از هم اکنون دستکم چهار کشور اتحادیه اروپا از جمله لهستان و مجارستان، اعلام کرده اند که هیچ پناهنده ای را نخواهند پذیرفت و مخالفت خود را با پرداخت جریمه اعلام کرده اند. طبق توافقنامه جدید در خارج از مرزهای اروپا "مراکز پناهندگی" بوجود خواهد آمد که پناهجویان تا تعیین تکلیفشان در آن مراکز نگهداری خواهند شد. هر چند که وزرای داخله اتحادیه درست کردن "مراکز پناهندگی" را عنوان کرده اند، ولی در واقع این مراکز، بازداشتگاههای مخوفی هستند که در خارج از مرزهای قلعه اروپا ایجاد میگردند. برای هموار کردن ایجاد این مراکز نخست وزیر نئوفاشیست ایتالیا به لیبی سفر کرده و با یکی از دو دولت موجود در آنجا توافقنامه امضاء کرد. این البته راز پنهانی نیست که مرزهای لیبی محل کشتار بیرحمانه پناهجویان توسط نیروهای ساحلی این کشور هستند. بازداشتگاههای لیبی که پناهجویان در آنها نگهداری میشوند، محل بیرحمانه ترین رفتار با پناهجویان است و آن پناهجویانی هم که در داخل لیبی هنوز پایشان به ساحل و یا به بازداشتگاهها نرسیده است در بازارهای علنی لیبی به بردگی کشیده میشوند.

نخست وزیر ایتالیا سپس همراه رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا و نخست وزیر هلند به تونس سفر کرده و با "قیس سعید" رئیس جمهور تونس ملاقات کردند. اتحادیه اروپا به او وعده کمک مالی نهصد میلیون یورویی را دادند که صد میلیون آن برای اسکان دادن پناهجویان و ممانعت دولت تونس از خروج پناهجویان از تونس به سمت اروپا اختصاص مییابد. اینکه نخست وزیر نئوفاشیست ایتالیا از "قیس سعید" به عنوان سیاستمداری ستایش میکند که دولت ایتالیا اکنون از پیشنهاد او برای برگزاری کنفرانس بین المللی مهاجرت در رم دفاع میکند، خود گویای جوهر معامله کتبی است که به بهای جان میلیونها پناهجو انجام گرفته است.

جای سؤال است که در این "مراکز پناهندگی" چگونه پناهجویان قادر خواهند بود
 دلایل پناهجویی خود را بیان دارند، کدام

در ساعت ۲ بامداد چهارشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۲ برابر با ۱۴ ژوئن ۲۰۲۳ در اثر واژگونی یک قایق ماهیگیری در آبهای یونان که ۷۵۰ پناهجو را از لیبی به مقصد ایتالیا حمل می کرد صدها نفر از پناهجویان جان خود را از دست دادند. بنا به گفته بازماندگان این واقعه دلخراش ۱۰۰ نفر از سرنشینان قایق کودک بوده اند. بنا به گزارش پزشکانی که به کمک بازماندگان این حادثه شتافته اند حدود ۶۰۰ نفر از پناهجویان در این فاجعه مرگبار جان باخته اند. روز جمعه یک روزنامه یونانی نوشت که علت غرق شدن کشتی می تواند اقدام یکی از قایقهای گارد ساحلی برای وصل کردن طناب به کشتی باشد. به گزارش این روزنامه، «نفرات گارد ساحلی با بستن طناب در نظر داشتند ثابت کشتی را حفظ کنند و برای بررسی نیاز سرنشینان به آن نزدیک شوند. به نقل از یکی از سرنشینان کشتی ماهیگیری گفته شده که گارد ساحلی با بستن طناب سعی کرد کشتی را به سمت چپ بکشد اما کشتی ناگهان به راست متمایل و غرق شد».



شش روز قبل از وقوع این فاجعه مرگبار وزرای داخله اتحادیه اروپا در بروکسل به منظور حفاظت از قلعه اروپا و حل بحران پناهندگی نشست مشترک برگزار کردند. در این نشست وزرای داخله اتحادیه، پیشنهاد کمیسیون اتحادیه بر سر "قواعد جدید مشترک سیستم پناهندگی اروپا" را مورد بررسی قرار دادند و بر سر یک سیاست مشترک ضد پناهندگی به توافق رسیدند. بعد از دستیابی به این توافق، رسانه ها و بلندگوهای تبلیغاتی وابسته به دولت های اروپایی اعلام کردند که این توافق جدید جان پناهجویان را از غرق شدن در دریای مدیترانه نجات خواهد داد، اما این توافقنامه جدید چیزی جز لگد مال کردن آخرین بندهای کنوانسیون ژنو در امور حقوق پناهجویان نبود. بر اساس توافق جدید و جهت حفاظت از قلعه اروپا، پناهجویان در خارج از مرزهای اروپا باید در خواست پناهندگی بدهند و چنانچه با پناهندگی آنان مخالفت شود، بلافاصله

در چنین شرایطی، نهادها، سازمانها و نیروهای مدافع حق پناهندگی به عنوانی یکی از اساسیترین اصول پایه ای حقوق بشر نیازمند تجدید قوا و سنگر بندی در مقابل تهاجمات کشورهای امپریالیستی به این حقوق میباشند. آنان قبل از هر چیز بایستی دریابند که علیرغم اهمیت ارائه خدمات اولیه مانند کمکهای دارویی، پوشاک، غذا و سرپناه از طریق شبکه های وسیع اجتماعی و نهادهای غیر دولتی، چنین اقداماتی به هیچ وجه با تبعات قوانین ضد پناهندگی دولتهایشان قابل مقایسه نیست و نمی توان با این ابزار سیاستها و پراتیک دولتها را پس زد.

اگر چه حل نهایی مسئله آواره گی و دربرداری دهها میلیون انسان به برداشتن مرزها، سرنوشت نهایی نبرد برای سوسیالیسم و پایان بربریت نظام سرمایه داری مربوط است، بسیج نیروهای انساندوست، مترقی و مدافع حقوق انسان بویژه آنانی که در نهادها و تشکلهای مدنی، کارگری و اجتماعی متشکلند برای به چالش کشیدن سیاستها و اقدامات ضد پناهندگی دولتها چه در سطح ملی و یا منطقه ای اهمیت بسزایی یافته است. استفاده از فرصتها و مجاری هر چند محدود کنونی و بویژه انکشاف راهکارهای جدید با وکلا و حقوقدانان مجرب و ماهر انساندوست برای عقب راندن تهاجمات ضد پناهندگی پی در پی کشورهای امپریالیستی بسیار ضروری است. مضاف بر آن، فعالین سیاسی چپ و سوسیالیست و مترقی بایستی برای بسیج خیل عظیم پناهجویان، پناهندگان و مهاجرین که شدت از سیاستهای ضد پناهندگی تاثیر میپذیرند تلاش نموده و در هر چه گسترده تر نمودن و بسط این تلاشها با گروهها و مجامع مختلف دینفع پیش قدم گردند.

حق پناهندگی از اصول خدشه ناپذیر حقوق انسان است!

کمیته خارج کشور
 حزب کمونیست ایران
 ۱۷ ژوئن ۲۰۲۳



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست: حمله نظامی جمهوری اسلامی به کردستان را شدیداً محکوم میکنیم!

به دنبال اعزام کاروانهای نظامی سپاه پاسداران رژیم جمهوری اسلامی به منطقه جنوب کردستان در چند روز گذشته، مناطق وسیعی از بخش کوهستانی کوسالان در کردستان با پهپادهای جنگی رژیم مورد حمله قرار گرفته است. روز ۱۶ ژوئن یک کاروان نظامی شامل ادوات سنگین سپاه پاسداران در اطراف سروآباد بطور متوالی چند روستا و از جمله ارتفاعات کوهستان شاهو را توپ باران کرد. ظهر همان روز نیز کاروان نظامی سپاه همراه با چندین دستگاه بولدوزر به سوی این منطقه حرکت کرده و در بلندیهای آنجا مستقر شده اند. اخبار دستگیری و اذیت و آزار مردم توسط نیروهای سپاه پاسداران روزانه منتشر می شود و رژیم حکومت نظامی اعلام نشده در شهرها و روستاها و به ویژه در مناطق مرزی کردستان برقرار کرده است.

جمهوری اسلامی به بهانه های مختلف از جمله کنترل فعالیت نیروهای سیاسی کرد در منطقه، روزانه به سرکوب مبارزات جنبشهای اجتماعی و کارگران و مردم زحمتکش کردستان دست می زند اما نمیتواند صدای آزادیخواهانه و اعتراضات آنان را خاموش سازد. دیدیم که روز سه شنبه ۲۳ خرداد مردم مبارز سقز در اعتراض به اقدام رژیم در ایجاد تغییراتی در اطراف آرامگاه "مهسا زینا امینی"، با بستن مغازه ها و دست از کار کشیدن یک اعتصاب عمومی را در شهر پیش بردند و به رژیم اسلامی اخطار دادند که در مقابل تعرضات رژیم کوتاه نخواهند آمد.

اخبار این تحرکات زیان آور و حملات نظامی رژیم هر انسان آزاده و مبارزی را به تلاش برای مقابله با رژیم و همبستگی با مردم در کردستان واداشته است. پایان دادن به عمر این رژیم ننگین از طریق انقلاب و قیام همگانی همچنان خواست مبرم جنبشهای اجتماعی چون کارگران، زنان و جوانان بوده که عزم و اراده آنها را در تقابل با جمهوری اسلامی چند برابر کرده است. این در حالیست که جریانات عظمت طلب و ناسیونالیست ایرانی در مقابل همه این جنایات آشکارا سکوت برشمرده اند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست حرکات نظامی، بمبارانهای رژیم و اذیت و آزار مردم کردستان را شدیداً محکوم میکند و خود را در کنار مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم کردستان می بیند. همگام با مردم کردستان و در پیوند با مبارزات سراسری به مبارزات خود علیه کلیت حکومت اسلامی سرمایه تا سرنگونی انقلابی این رژیم ضد انسانی ادامه خواهد داد.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!**

خرداد ۱۴۰۲

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

وکیل از حقوق آنان دفاع خواهد کرد، به چه زبانی با آنان مصاحبه خواهد شد و چه معیارهایی برای امن شناختن کشورهای ثالث و یا کشورهای که این پناهجویان از آنجا گریخته اند، به کار گرفته خواهد شد. آیا کشورهای ایران و ترکیه برای آن افغانستانی که از جهنم طالبان گریخته و خود را به مرز اتحادیه اروپا رسانده است، کشورهای ثالث امنی هستند. همان کشورهای ثالث که در خیابان مردمانش به گلوله بسته میشوند و یا مناطق کرد نشینش بمباران هوایی میگردند. آیا آن پناهجویی که از جنگ داخلی در سودان و یا چاد مسیر پر خطری را طی کرده، از بازار برده فروشان لیبی خود را نجات داده و اگر در دریای مدیترانه طعمه امواج خروشان نگشته و به مرز اروپا رسیده اند، کدام یک از این کشورها در مسیر راهش کشور ثالث و امن هستند؟

وزرای داخله اتحادیه اروپا با این تصمیمشان میلیونها پناهجوی سوریه ای، عراقی، یمنی، اهل چاد و یا سودان را به همان جهنمی گسیل خواهند کرد که از آن گریخته و برای نجات از آن خود را به آب و آتش زده اند. آنچه را دولت های اروپایی انجام می دهند، همانی است که بریتانیا در توافق با کشور افریقائی "رواندا" ماههاست انجام داده است. تصاویر دلخراش اردوگاه "موریا" در "لسبوس" یونان سیم های خار دار دور این مراکز، خودکشی جوانان و عدم امکانات پزشکی حتی برای کودکان فراموش شدنی نیستند. البته این تصاویر متعلق به یکی از کشورهای اروپاست در ایصورت چندان مشکل نخواهد بود که فهمید چه سرنوشتی در انتظار پناهجویان در بازداشتگاههای خارج از مرزهای اروپا قرار دارد. بی جهت نیست که سازمانهای مدافع پناهجویان توافقنامه را یک "تهاجم آشکار" به قانون پناهندگی و یک اشتباه تاریخی" نامیدند.

واقعیت این است تا زمانی که جنگهای نیابتی، مذهبی و قومی که نتیجه حاکمیت بربریت سرمایه داری و میلیتاریسم و مداخله گری نظامی قدرتهای سرمایه داری رقیب است پایان نگیرند، جهان همچنان ناظر تراژدی انسانی آوارگان خواهد بود. طبقه کارگر و بشریت آزادیخواه و برابری طلب جهت پایان دادن به این فجایع دلخراش چاره ای جز پایان گذاشتن به نظامی ندارد که هر لحظه فاجعه می آفریند.

۳۱ خرداد روز پیشمرگ کومه له گرامی باد!



گرامی باد ۳۱ خرداد، روز پیشمرگ کومه له

در ۳۱ خرداد و به مناسبت روز پیشمرگ کومه له یاد رفیق "سعید معینی" اولین پیشمرگ و اولین جانباز کومه له، که روز پیشمرگ کومه له به یاد و خاطره و روز جانبازتن وی نامگذاری شده است و یاد هزاران رزمنده انقلابی و کمونیست که در صحنه های مختلف نبرد با یکی از درنده ترین دیکتاتورهای سرمایه داری معاصر جان باختند، را گرامی می داریم و به خانواده های سرفراز و مقاوم این عزیزان درود می فرستیم.

تاریخ شکل گیری و مبارزات خستگی ناپذیر نیروی پیشمرگ کومه له با تاریخ مبارزه، مقاومت و تاریخ جنبش انقلابی مردم کردستان پیوند خورده است. ۴۴ سال پیش، سنگ بنای نیروی پیشمرگ کومه له در شرایطی نهاده شد که جامعه ایران در آستانه یک تحول تاریخی قرار گرفته بود. از سویی مردم بپاخاسته در یک انقلاب توده ای، از سلطه دیکتاتوری پادشاهی رهایی یافته و فرصتی به دست آورده بودند تا نفسی به آزادی بکشند و از سوی دیگر، کابوس استیلای یک ضد انقلاب اسلامی و دشمن آزادی که خود را برای به دست گرفتن قدرت آماده می کرد جامعه ایران را فرا گرفته بود. جریان اسلامی وظیفه خفه کردن صدای انقلاب ایران را به عهده گرفته بود و در گوشه و کنار ایران کار سرکوب مبارزات آزادیخواهانه و رهایی بخش مردم را پیش می برد. اما در کردستان وضع به گونه ای دیگر بود. ضعف جریان اسلامی، نفوذ خط مشی و اندیشه چپ رادیکال و انقلابی در میان مردم و وجود احزاب سیاسی، همه اینها توازن قوای متفاوتی را به وجود آورده بود. کارگران استثمار شده خواهان زندگی بهتری بودند. زحمتکشان روستا که از قید بقایای فرتوت نظام ارباب و رعیتی رهایی یافته بودند، زنان تشنه حقوق برابر، توده های مردمی که نمی خواستند بیش از این ستم ملی بر دوش شان سنگینی کند، همه این خواست ها و آرزوها در یک جنبش مقاومت توده ای تجلی یافته بود. جنبشی که خود را برای مقابله با ضد انقلاب به قدرت رسیده ای که دستاوردهای انقلاب مردم را تهدید می کرد، آماده می ساخت.

در ابتدا، مرتجعین محلی و بقایای نظام پوسیده

ارباب و رعیتی تلاش کردند تا با اتکا به دولت مرکزی موقعیت از دست رفته خود را باز یابند. به همین منظور دار و دسته های مسلح راه انداخته بودند و زحمتکشان روستاها را مورد تهدید قرار می دادند. برای خشی کردن این حرکت، کومه له، زحمتکشان کردستان را فراخواند تا در اتحادیه های دهقانان، دور هم جمع شوند و متشکل و مسلح از حقوق خود دفاع کنند. همزمان با نزدیک شدن زمان حمله قریب الوقوع رژیم به کردستان، مراکز آموزش نظامی کومه له در شمال و جنوب کردستان برای آماده کردن کادر جهت نیروی پیشمرگ کومه له ایجاد گردید. ستون فقرات نیروی پیشمرگ کومه له را مبارزینی تشکیل دادند که در این مراکز آموزش دیده بودند. نیروی اتحادیه های دهقانان تحت هدایت کومه له، در مریوان، دیواندره، کامیاران، سردشت، بوکان و مهاباد، وظیفه خود را با موفقیت به انجام رساندند. زمین ها بین دهقانان فقیر تقسیم گردید و دار و دسته های مسلح اربابان، از هم پاشیدند.

شور و شوق زحمتکشانی که با دستان خود پیروزی را به دست آورده و به آینده روشن امید بسته بودند و فضای سیاسی دمکراتیکی که کل جامعه کردستان را فرا گرفته بود، این منطقه را به سنگر محکمی برای ادامه انقلاب ایران تبدیل نمود. گسترش نفوذ سیاسی و اجتماعی کومه له و رشد توانایی های آن در بسیج و سازماندهی توده ها که در چندین رویداد تاریخی نظیر کوچ مردم مریوان، راهپیمایی های وسیع به سوی شهر مریوان به منظور پشتیبانی از مردم این شهر و اعتصاب عمومی یک ماهه مردم سنندج برای بیرون راندن سپاه پاسداران از این شهر، خود را نشان داد. کارگران و زحمتکشان کردستان افق دیگری را برای آینده انقلاب ایران پیش رو داشتند، برای رژیم به قدرت رسیده اسلامی قابل تحمل نبودند. به همین دلیل پس از مدتی فریبکاری و این دست و آن دست کردن، همه درهای گفتگو و مذاکره را بست و بعد از به وجود آوردن چندین فاجعه نظیر کشتارهای "قارنا و قلاتان" و جاهای دیگر، به فرمان خمینی در تاریخ ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸ تهاجم گسترده به کردستان آغاز شد. کومه له مردم کردستان را به مقاومت در برابر این تهاجم در همه عرصه





پیام کنفرانس دوم شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان به زندانیان سیاسی

همرزمان در بند!

همرزمان در بند!

کنفرانس دوم شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، به شما بخاطر مقاومت و استقامتتان در سیاهچالهای رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی درود می فرستد. شورای ما در همراهی با جنبش جاری و مردم معترض در کف خیابانها، به شیوه های مختلف برای آزادی فوری و بی قید و شرط شما به تلاشهای خود ادامه خواهد داد. برما روشن است ماشین اعدام و زندان جنایتکاران را تنها با فشار نیروی عظیم اجتماعی مردم بجان آمده می توان به عقب راند. ما به روز شکوهمند شکستن در زندانها و آزاد کردن عزیزان در بندمان امیدواریم و برای تحقق آن تلاش خواهیم کرد.

ما همچنین، مردم آزادیخواه و مبارز کردستان را فرامیخوانیم که کماکان در کنار خانواده های زندانیان سیاسی یار و مدافع و پشتیبان آنها باشند و به هر شکلی که مناسب میدانند آنها را مورد حمایت خود قرار دهند و همچنان خواست و شعار " زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را تا به سرانجام رساندن آن، بر پرچم هر حرکت اعتراضی حک کنند.

**زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
مرگ بر جمهوری اسلامی!**

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان



کنفرانس دوم شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان در روزهای ۱۳ و ۱۴ خرداد با شرکت دهها تن از اعضای این شورا به صورت حضوری در کشور سوئد و همچنین از طریق آنلاین برگزار شد. این کنفرانس در این دو روز به بحث و تبادل نظر در مورد عرصه های فعالیت مربوط به شورا پرداخت و با انتخاب رهبری جدید برای شورا، به استقبال پیشبرد وظایف و فعالیت های دور آتی رفت. کنفرانس ما از اهمیت مبارزات و صلابت و استواری شما در مقابل رژیم سرکوبگر اسلامی غافل نماند. ما و جامعه معترض و جان به لب رسیده ایران در میان موج اعتراض و تلاش برای سرنگونی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، براهمیت و نقش ایستادگی زندانیان سیاسی در این سالها و آنهم زیر چنگال دژخیمان و زندانبانان سرکوبگر واقف هستیم.

سرکوب، شکنجه، زندان و اعدام طی ۴۴ سال گذشته، جواب جمهوری اسلامی به هر ندای مخالفت و اعتراض علیه او بوده است در همان حال و در مقابل این سرکوبگریها در طی این سالها زندانیان سیاسی مبارزات خود را در آن شرایط وحشتناک، بی باکانه به دیگر عرصه های مبارزه اجتماعی در خارج از زندانها گره زده و در موارد بسیاری جمهوری اسلامی و سرکوبگران آن را دچار سراسیمگی کرده اند. امروز و در شرایطی که جامعه ایران بر اثر خروج اعتراضات اخیر و عزم جامعه برای کنار زدن رژیم مرتجع سرمایه داری ایران آبستن تحولات مهمی است، نقش تاریخی و انکارناپذیر شما در نشان دادن استقامت و شجاعت، مورد پشتیبانی و تقدیر هر انسان آزادیخواه و حق طلبی در جامعه است.

تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له برنامه های خود را به همراه تلویزیون های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.

ساعت پخش برنامه های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له به وقت تهران:

- آغاز برنامه ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازد و نیم قبل از ظهر

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

نیز روی همین کانال برنامه های مشترک خود را تحت عنوان تلویزیون "آلترناتیو شورایی" همزمان با آغاز سال نو شروع کرده است! تلویزیونی آلترناتیو شورایی در روزهای سه شنبه و یکشنبه هر هفته برنامه های خود را پخش می کند-



حکومت اسلامی در پرتگاه مبارزه با بی حجابی!

شوراهای صنفی دانشجویان روز دوشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۲ طی گزارشی اعلام کرد که پس از ممنوع‌الورود کردن حدود ۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه هنر به بهانه پوشش نامناسب، این بار و در اقدامی جدید، نیروهای حراست این دانشجویان را تعلیق مشروط کرده اند، به این معنا که اگر دانشجویان بار دیگر بدون پوشش مقنعه در دانشگاه حضور یابند، حکم تعلیق آنها اجرا می‌شود. همزمان فعالان دانشجویی دانشگاه بهشتی از «مزاحمت و تهدید دانشجویان سر جلسه امتحان» به خاطر «سر نکردن مقنعه» خبر دادند. شوراهای صنفی دانشجویان خبر داده است رئیس دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه بهشتی، حین برگزاری امتحان برای دانشجویانی که مقنعه بر سر نداشتند مزاحمت ایجاد کرده و دانشجویان را تهدید کرده در صورت تکرار، آنها را از شرکت در امتحان منع خواهد کرد. این‌ها در حالی است که شورای صنفی دانشجویان در ۱۵ خرداد نیز از اذیت و آزار و احضار تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت به کمیته انضباطی به دلیل مقاومت در برابر تحمیل حجاب اجباری خبر داد.

همزمان با تداوم این تهاجم سازمانیافته به زنان بی حجاب در دانشگاهها و شهرهای مختلف ایران، نمایندگان حکومت اسلامی در مجلس روز سه‌شنبه ۲۳ خرداد ضمن رد دو فوریتی «لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب»، اما بررسی آن را در دستور کار مجلس قرار دادند. مجادلات بر سر دو فوریتی یا یک فوریتی بودن لایحه نشان از آن دارد که ایستادگی و مقاومت شجاعانه زنان در برابر حجاب اجباری، سران و قانون‌گذاران رژیم ارتجاعی اسلامی را به جان هم انداخته است. درحالی که برخی از سران رژیم و نمایندگان مجلس اسلامی در هراس از فروپاشی دیوار برلین حجاب اجباری و از دست‌دادن کنترل بر بدن زنان از ضرورت گتجانندن اعمال مجازات‌های شدید مانند شلاق و تبعید در این لایحه سخن می‌گویند، عده دیگری هم برای رعایت حال اصلاح‌طلبان حکومتی و دل‌پوسان نظام بر اهمیت «کار فرهنگی» در لایحه تأکید می‌کنند. خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران به نقل از جلیل رحیم‌آبادی، نماینده تربت جام نوشت: «به نظر بنده این لایحه بیشتر از این‌که مشکل حجاب را حل کند پوست خربزه‌ای زیر پای مجلس

است. قوه قضاییه این لایحه را طراحی کرده اما در این چند روز به مجلس تاختند. نمی‌توان احکام فرهنگی را به حال خود رها کرد و از مساجد و افراد بایمان حمایت نکرد، سپس انتظار داشته باشیم تا افراد بی‌حجاب با جریمه نقدی حجاب را رعایت کنند. او در مورد لایحه حجاب و عفاف را که به تأیید سران سه‌قوه و نهادهای مسئول رسیده، تأکید کرد: «در این‌که بی‌حجابی یک بحران است شکی نیست اما این لایحه شتاب زده و غیرکارشناسی، بدون ریشه‌یابی در جامعه نمی‌تواند مشکل بی‌حجابی را حل کند.»

هراس سران رژیم از فروپاشی دیوار حجاب اجباری و اینگونه ابراز نگرانیهای نمایندگان مجلس اسلامی در عین حال که خشک مغزی و ارتجاع‌عریان سران و کارگزاران رژیم را نشان میدهد، اما در همان حال نشانه‌های واقعی از تغییر شرایط و از تغییر توازن قوایی است که در جامعه به وجود آمده است. این توازن قوای جدید آرام آرام و در نتیجه بیش از چهل سال مبارزه سنگر به سنگر زنان با آپارتاید جنسیتی و سیاست‌های زن‌ستیزانه حکومت اسلامی به امر واقع تبدیل شده است. مبارزه بدون انقطاع زنان طی بیش از چهار دهه گذشته و برای نمونه حضور گسترده زنان آزاده در خیزش‌های دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸، و پیش‌تازی آنان در جنبش انقلابی جاری سرچشمه آن مقاومت گسترده ای است که امروز در عرصه مبارزه با حجاب اجباری خود را نشان میدهد و سران رژیم و فرماندهان نیروی انتظامی را به ستوه آورده است. آن دسته از نمایندگان مجلس که نسخه شلاق و تبعید را برای مقابله با زنان بی‌حجاب می‌پیچند باید بدانند که این حکومت اسلامی طی بیش از چهار دهه گذشته، اوج اقدامات ضد انسانی و جنایتکارانه خود از جمله شلاق و زندان و شکنجه را در مقابله با مبارزات زنان بکار گرفت، اما نتوانست زنان مبارز و آزاده را مرعوب کند. حضور چشمگیر زنان در خیزش‌های انقلابی و جنبش‌های اعتراضی و حضور آنان در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی نشان داد که زنان ایران برای احقاق مطالبات انسانی خود پای در راه مبارزه ای سنگر به سنگر گذاشته‌اند و اقدامات جنایتکارانه رژیم خللی در عزم و اراده آنان وارد نمی‌کند. امروز نتایج این مبارزه جانانه، طولانی و سنگر به سنگر زنان را در توده گیر شدن مبارزه با حجاب اجباری مشاهده میکنیم.

روشن است که مبارزه با حجاب اجباری عرصه ای نیست که به خودی خود عمق و گستردگی مبارزات رهایی بخش زنان ایران را نشان دهد، اما مقاومت در برابر حجاب اجباری امروز به یک نماد مقاومت در برابر قوانین اسلامی و نادیده گرفتن دستورات حکومتی تبدیل شده است. کنترل پدیده بی‌حجابی از دست رژیم خارج شده و همین واقعیت است که این چنین سران حکومت اسلامی را نگران و سراسیمه کرده است. نیروهای اعزام شده به خیابانها و دانشگاهها برای عقب راندن زنانی که حجاب و روسری‌ها را به دور انداخته و رژیم و قوانینش را به چالش کشیده‌اند، کافی نیستند. توده گیر شدن این مبارزه رژیم را در مقابله با آن مستاصل ساخته است. هیاهوی امامان جمعه و تهدیدات فرماندهان نیروی انتظامی و نیروهای حراست در دانشگاهها نه از سر قدرت بلکه در واقع اعتراف به شکست است. جمهوری اسلامی طی بیش از چهار دهه حاکمیت خود هرچه در توان داشته است بر علیه زنان به کار گرفته است. حکومت اسلامی سرمایه‌داران نه در زمینه تصویب قوانین ضد زن و نه در زمینه اعمال زور و خشونت مستقیم خلائی باقی نگذاشته است تا امروز بخواهد آن را با تصویب لایحه حجاب و عفاف پر کند.

مبارزه همدوش زنان و مردانی که تحمیل حجاب اجباری را اهانت به حرمت انسانی خود میدانند، میتواند به پیروزی برسد. زمان آن فرا رسیده است که زنان ایران با دور انداختن حجابی که به زور سرکوب به آنها تحمیل شده است، عملاً قوانینی را که در این زمینه وجود دارد ملغی سازند. کاری که در این مورد آغاز شده است را میتوان با قاطعیت به سرانجام رسانید. جنبش دانشجویی ایران و بویژه بخش چپ و سوسیالیستی آن می‌تواند نقش برجسته ای در این کارزار داشته باشد. رژیم در لبه پرتگاه مبارزه با بی‌حجابی قرا گرفته است.



تغییر استراتژی منطقه ای جمهوری اسلامی، سازش برای بقا!

امتیازی به جمهوری اسلامی "اسدالله اسدی" دیپلمات - تروریست جمهوری اسلامی را که به جرم اقدام تروریستی در هنگام اجرای جرم با مدارک زیاد دستگیر شده بود و دادگاه عالی آن کشور او را به ۲۰ سال حبس محکوم کرده بود را تحت عنوان "مبادله زندانیان" آزاد کرد.

این امر و آزاد سازی بخشی از پوله‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی و عراق نیز از امتیازاتی است که در مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم جمهوری اسلامی با آمریکا حاصل شده است.

حمله جنایتکارانه صدها پلیس آلبانی در روز سه شنبه ۳۰ خرداد به کمپ سازمان مجاهدین خلق در شهر "دورس" در این کشور، که منجر به کشته شدن یک نفر



و زخمی و مصدوم شدن بیش از صد نفر از اعضا سازمان مجاهدین خلق شد، امتیاز دیگری به جمهوری اسلامی در همین رابطه بود. در واکنش به این اقدام ضد انسانی پلیس آلبانی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا بیش‌رمانه اعلام نمود که این اقدام را "حق دولت آلبانی در تحقیق و تفحص" نامید و از آن حمایت کرد. این درحالی است که سازمان مجاهدین بر اساس معاهده ای میان آمریکا و آلبانی در سال ۱۳۹۵ در کشور آلبانی استقرار یافتند. در اقدامی دیگر همزمان با حمله وحشیانه پلیس آلبانی به کمپ سازمان مجاهدین، دولت فرانسه نیز در یک اقدام کم سابقه از برگزاری تظاهرات اعتراضی این سازمان در پاریس در روز اول ماه ژوئیه علیه جمهوری اسلامی ممانعت به عمل آورد. چنین اقدامی از جانب دولت فرانسه که گویا "مهد آزادی و دموکراسی" است، مورد دیگری از نقض حقوق بشر از جانب دولت‌های اروپایی است. اقدامات شرم آور علیه سازمان مجاهدین که به درخواست رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و در معامله و زد و بند با آمریکا و دیگر دولت‌های اروپایی انجام می‌گیرد را باید محکوم نمود. دادن چنین امتیازاتی به رژیم جمهوری اسلامی که تروریسم و گروگان گیری در خارج کشور و سرکوب و اعدام در داخل را پایه اصلی بقای خود قرار داده است، رژیم را به انجام اعمال تروریستی ترغیب می‌کند. کما اینکه سخنگوی وزارت خارجه

جمهوری اسلامی در این رابطه ضمن

آنان شده، بلکه رئیسی قاتل چاپلوسانه اعلام می‌کند که "ما هرگز با عربستان دشمن نبوده ایم". این بار نیز رژیم برای جلوگیری از اوج گرفتن اعتراضات به دنبال شکست سیاستهای کلان خود، برای ایجاد فضای رعب و وحشت به گسترش اعدامها و میلیتاریزه کردن بیشتر

فضای شهرها روی آورده است. از سوی دیگر آمریکا و قدرتهای سرمایه داری نیز به منظور جلوگیری از خفت و سرشکستگی بیشتر جمهوری اسلامی به خاطر تسلیم و چرخش در سیاستهای پر هزینه هسته ای و موشکی و سیاست دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه، اقداماتی را در خارج ایران به عنوان دادن امتیاز به جمهوری اسلامی در دستور گذاشته اند. زیرا در چنین شرایطی قدرتهای سرمایه داری جهانی و منطقه ای بقای جمهوری اسلامی را بر سرنگونی آن در نتیجه پیشروی جنبش انقلابی ترجیح می‌دهند.

بخشی از امتیازاتی که در این راستا در دو، سه ماه گذشته توسط دولت‌های اروپایی و با چراغ سبز آمریکا، در مقابل تسلیم جمهوری اسلامی به شروط آنان داده شده چنین است. در اردیبهشت ماه گذشته رئیس "شورای حقوق بشر" سازمان ملل، در اقدام شرم آوری نماینده جمهوری اسلامی را به عنوان رئیس "مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر" انتصاب نمود. رژیمی که بنا به اسناد و مدارک و گزارش جاوید رحمان نماینده ویژه سازمان ملل، به ویژه طی نه ماه گذشته بزرگترین دولت ناقض حقوق بشر در جهان بوده است. چنین انتصابی چهره ریاکار دولتها و نهادهای حقوق بشری وابسته در دفاع از دموکراسی و رعایت حقوق بشر مورد ادعایشان را بیشتر برملا ساخته است. در اقدام دیگری دولت بلژیک در ماه گذشته به عنوان

خطر سرنگونی جمهوری اسلامی با تداوم جنبش انقلابی و سراسری در ایران، خامنه ای و کادر رهبری سپاه پاسداران رژیم اسلامی را وادار کرده برای نجات از سقوط حکومت با سیاست "نرمش قهرمانانه" در مقابل آمریکا و دیگر قدرتهای سرمایه داری جام زهر دیگری را سر کشند.

استراتژی تبدیل شدن به یک قدرت برتر منطقه ای با تکیه به مداخله گری های نظامی در کانون های بحران منطقه و برنامه های اتمی به شکست انجامیده است. رژیم اسلامی این بار استراتژی بقای خود را در سازش با قدرتهای منطقه ای و جهانی می بیند. سازشی که دولت آمریکا و دیگر قدرتهای امپریالیستی و منطقه ای سالهاست به دنبال آن می‌باشند.

تداوم جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی قدرتهای سرمایه داری را نیز نگران ساخت و برای جلوگیری از آن اقداماتی را در دستور کار خود قرار دادند. آنان به منظور اعمال فشار بر جمهوری اسلامی و به انحراف کشاندن جنبش انقلابی، ابتدا با به میدان آوردن رضا پهلوی و صرف امکانات مالی و تبلیغاتی کلانی، به تشکیل ائتلافی دست زدند. اما اصالت جنبش انقلابی سراسری در داخل سریعاً ائتلاف مورد نظر آنان متشکل از سلطنت طلبان، جمهوری خواهان و مشروطه خواهان و لیبرالهای و ناسیونالیست ها را با شکست و ناکامی روبرو ساخت.

به دنبال شکست مفتضحانه چنین ائتلافی و در شرایطی که پیشروی جنبش انقلابی جمهوری اسلامی را از هر سو تحت فشار قرار داده بود، جمهوری اسلامی در همکاری آمریکا و دیگر قدرتهای سرمایه داری، راه سازش و عدول از سیاستهای منطقه ای و هسته ای را در پیش گرفت. خامنه ای و رهبری سپاه پاسداران این بار نیز با قبول "نرمش قهرمانانه" ابتدا با کمک آمریکا و دولت‌های غربی اقدام به برقراری رابطه با عربستان سعودی، امارات، مصر بحرین و دیگر دولت‌های منطقه نمود. دولتهایی که سالها از جانب خمینی و خامنه ای، "حکومت ننگین وهابی آل سعود، کافر و غاصب مکه، عامل و خدمتگزار اسرائیل و آمریکای جهان خوار شیطان بزرگ" خوانده می‌شدند. اینک رژیم نه تنها مجبور به برقراری رابطه دیپلماتیک با

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

حمله به پایگاه مجاهدین در آلبانی را قویا محکوم می کنیم!

تمام افراد و دسته جاتی که برای بقدرت رسیدن و یا ایجاد تغییرات مورد نظر خود در ایران به کرامات دول امپریالیستی و کشورهای مرتجع منطقه امید بسته اند، هشدار دهیم که نشست و برخاست و معامله و امید بستن به قدرت های خارجی، جز شکست و وجه المصلحه قرار گرفتن و قربانی شدن در معاملات پشت پرده و رسوائی و بی اعتباری در میان توده های مردم ثمره دیگری در برداشته و نخواهد داشت.

رهائی اکثریت مردم ایران، یعنی توده های کار و زحمت از ستم و استثمار و زور و سرکوب اقلیتی صاحب قدرت و ثروت که با تلفیق دین و دولت بر اریکه قدرت سوار است، تنها بدست توانای طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم سراسر ایران امکان پذیر است. پیروزی انقلاب ایران و کسب آزادی و رهائی از ستم و استثمار و تبعیض و نابرابری، در گرو اتحاد و تشدید مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و همه آلهائی است که قهرمانانه در کوچه و خیابان و در محل کار و زندگی با جانفشانی ها و مقاومت های بی نظیر خود حماسه می آفرینند، نه دخیل بستن به قدرت های خارجی که برای تامین منافع شان از قربانی کردن میلیون ها انسان نیز ابائی ندارند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۳۱ خرداد ۱۴۰۲

امضا: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

ابراز خرسندی از این اقدامات ضد انسانی علیه سازمان مجاهدین، با تهدید تلویحی اعمال تروریستی در خارج کشور، سازمان مجاهدین را " همواره خطری برای امنیت " کشورهای میزبان معرفی کرد.

اما سازش آمریکا و غرب با جمهوری اسلامی که در راستای منافع آنها انجام می شود نمی تواند جمهوری اسلامی را از سرنگونی محتوم نجات دهد. زیرا جمهوری اسلامی سالهاست با بحران سیاسی و اقتصادی و اجتماعی رودررو است و نتوانسته پاسخگوی نیازها و مطالبات کارگران و توده های مردم زحمتکش و جنبش های اجتماعی باشد. عامل بحران عمیق اقتصادی رژیم اسلامی، تنها تحریم ها و بلوکه شدن پولها نیست که با آزاد سازی آن و حتی فروش نفت برطرف گردد. جمهوری اسلامی در زمانی که با هیچ تحریمی روبرو نبود و نفت را هم به فروش می رساند، در بحران ساختاری اقتصادی گرفتار بوده و زندگی و معیشت کارگان و مردم ستمدیده را به گروگان گرفته است. عمر این رژیم ورشکسته به پایان رسیده و باید برود. تلاش آمریکا و غرب و سرکوب و کشتار در داخل نیز نمی تواند مانع پیشروی جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی برای به زیر کشیدن این رژیم جنایتکار گردد.

اخبار منتشره در رسانه ها حاکی از آن است که روز ۲۰ ژوئن، یک روز پس از لغو اجازه همایش سالانه مجاهدین خلق در فرانسه، کمپ این سازمان در آلبانی نیز که در آن صدها نفر از اعضا و هواداران این سازمان مستقر هستند، مورد یورش نیروهای پلیس آلبانی قرار گرفته است و در این حمله یک نفر کشته و تعدادی زخمی گزارش شده است.

یورش جنایتکارانه پلیس به کمپ مجاهدین در آلبانی در شرایطی است که شاهد تحولات جدیدی در روابط کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا با ایران هستیم. استرداد اسدالله اسدی دیپلمات تروریست جمهوری اسلامی، مذاکرات پشت پرده برای استرداد حمید نوری که در دادگاه سوئد به جرم مشارکت در قتل عام زندانیان سیاسی به بیست سال زندان محکوم شده است، آزادسازی قسمتی از پول های بلوکه شده رژیم و... نشان دهنده تغییر سیاست کشورهای غربی در قبال جمهوری اسلامی است و بدون تردید حمله به پایگاه مجاهدین در آلبانی و لغو همایش سالانه آنها در پاریس که می تواند به ایجاد محدودیت و فشار به سایر فعالین ایرانی در خارج کشور نیز تعمیم داده شود، از جمله توافقات پشت پرده دول غربی با رژیم سرکوبگر حاکم بر ایران است که خیزش عظیم زن، زندگی، آزادی، پایه هایش را بلرزه درآورده و با خطر قیام توده های زحمتکش مردم و سرنگونی مواجه است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست که با سیاست های سازمان مجاهدین مرزبندی روشنی دارد، لغو همایش سالانه این سازمان در پاریس و یورش پلیس به محل استقرار آنها در آلبانی را قویا محکوم می کند و آنرا تعرض به حق آزادی و مبارزه بر علیه رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی می داند.

در عین حال لازم می دانیم برای چندمین بار به اپوزیسیون بورژوائی رژیم، از جمله مجاهدین خلق که شرکت دادن نئوکانهای جنایتکاری نظیر جان بولتون ها را در همایش های خود به رخ کشیده و به پشتیبانی و همکاری آنها افتخار می کردند و